براندازی فرهنگی؛ سکوت قانون

◆ مهدی افشارنیک

بعد از اینکه در اسفند ۷۹ اعضای فعال گروه ملی-مذهبی در منزل محمد بسته‌نگار (دامادمرحوم آیت الله طالقانی) توسط مأموران به اتهام براندازی دستگیر شدند، کمتر کسی باور می کرد در فروردین سال بعد، یعنی تنها حدود یک ماه بعد اکثر اعضای فعال نهضت آزادی توسط شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب به اتهام براندازی دستگیر شوند. با پشت‌سرگذاشتن بازداشت های طویل المدت و برگزاری غیرعلنی جلسات دادگاه و اعلام احکام دادگاه بدوی، رئیس دادگاه انقلاب از سوی قاضی دادگاه نکته مهمی را متذکر شد که بیش از احکام دادگاه مورد توجه قرار گرفت؛ نهضت آزادی "برانداز نیست". اگرچه پس از این اظهارات روابط عمومی دادگاه انقلاب این گفته ها را تصحیح کرد و "براندازنبودن" را به "برانداز فرهنگی" بودن اصلاح کرد، اما در این خصوص که آیا قانون نیز درخصوص برانداز فرهنگی پیش بینی های لازم را کرده و یا ساکت است، توضیحی نداد. در این خصوص دیدگاه سه تن از چهره های مطرح سیاسی و حقوقی را جویا شده‌ایم که در پی می آید.

روابط عمومی اصلاح کرد

حمیدرضا ترقی رئیس دفتر سیاسی جمعیت مؤتلفه اسلامی را شاید بتوان دست یافتنی ترین فرد برای مصاحبه از میان اعضای معروف جمعیت مؤتلفه دانست. او به راحتی و بدون دغدغه از ضبط شدن یا نشدن صحبت هایش، تلفنی حاضر به مصاحبه شد که رویه ستودنی از سوی آقای ترقی است. وی از اطلاعیه دادگاه انقلاب پس از صحبت های آقای مبشری به‌عنوان "اصلاح" یاد می کند.

در خصوص برانداز نبودن نهضت آزادی، رئیس دادگاه انقلاب و قاضی رسیدگی کننده اعلام نظر کردند این موضوع را چطور می بینید؟

این موضوع از سوی روابط عمومی دادگاه‌انقلاب اصلاح شد و اطلاعیه مذکور مشخص کرد که نظر دادگاه انقلاب تغییر نکرده است و دادگاه انقلاب بر همان نظر قبلی خود مبنی بر برانداز و غیرقانونی بودن نهضت آزادی تأکید و تصریح دارد.

اما آقای مبشری در همان مصاحبه هم تأکید کردند که اطلاعیه روابط عمومی حکم قضایی نیست؟

بله حکم قضایی نیست ولی توضیحی راجع به مطالبی است که پیرامون آن مطلب در جامعه نشر پیدا می کند.

آیا در این میان تناقضی وجود ندارد؟

البته عرض کردم که اطلاعیه روابط عمومی آن را اصلاح کرد، ولی من اصلاً تناقضی نمی بینم با توجه به اینکه آقای مبشری بعد از اطلاعیه روابط عمومی هیچ نگفتند و این نشان می دهد که اطلاعیه روابط عمومی را قبول دارند.

عدم توجه دادگاه انقلاب به نظر وزارت اطلاعات در این پرونده را چگونه می دانید؟

وزارت اطلاعات در رابطه با جرائم امنیتی ضابط قوه‌قضاییه‌است نه یک مرجع تشخیص. قاضی می تواند وارد یک پرونده شود و نظر کارشناسی دهد، ولی در این پرونده قاضی از دیگر ضابطان استفاده کرد و نیازی به دخالت وزارت اطلاعات ندید و معتقد بود که عملکرد نهضت آزادی یک براندازی فرهنگی-سیاسی با استفاده از ظرفیت های قانونی است.

اما این مورد به‌عنوان جرم اصلاً در قانون مورد اشاره قرار نگرفته است؟

ممکن است که در این خصوص در قانون نقصی وجود داشته باشد، ولی طبق همان قانون اگر در زمینه‌ای قانون سکوت کرده بود، قاضی می تواند به تشخیص خود وارد یک موضوع شود و رأی صادر کند. براندازی سیاسی-فرهنگی که با استفاده از ابزار قانونی صورت می پذیرد، شاید در قانون پیش بینی نشده باشد، اما طبق نظر مقام معظم رهبری که این موضوع را به روشنی تبیین کردند، قاضی وارد شده و از یک حکم حکومتی در این خصوص استفاده کرد.

آیا قانون می تواند ابزاری برای براندازی باشد؟

از هر پدیده مطلوب و مثبت می توان سوءاستفاده کرد. موارد قانونی هم از این موضوع مستثنی نیستند و می شود که به‌راحتی از آنها سوءاستفاده صورت گیرد. طبق نظر دادگاه نهضت آزادی از این ظرفیت ها برای براندازی استفاده می کرده است.

نامه نگاری های آقای یزدی و عسگراولادی را در جهت پیشبرد وفاق ملی و تأثیر بر نظر دادگاه انقلاب چطور می دانید؟

در جوابی که آقای عسگراولادی به آقای یزدی دادند، آمده‌بود که جواب نامه را من به دبیرکل نهضت آزادی نمی دهم و فقط به یک فرد سیاسی می دهم که معتقدم انحرافات و اشتباهاتی داشته است. این گفت و گوی دو حزب و گروه سیاسی نبود و فقط در جهت تنویر افکار عمومی و اصلاح نسل جوان از حقایق بود که آقای عسگراولادی جواب نامه را داد. و اصلاً در جهت وفاق ملی نبود. ایشان (آقای یزدی) یک سری مسائل را در جامعه مطرح کرده بود که باید روشن می شد و جواب دبیرکل جمعیت مؤتلفه در آن جهت بود و اصلاً ربطی به عملکرد دستگاه قضایی ندارد. استنادات آنها بر پایه مسائل دیگری است که جرم امنیتی صورت می گیرد که دادگاه انقلاب رسیدگی می کند.

رأی دادگاه تجدیدنظر را چگونه پیش بینی می کنید؟

در این زمینه من اطلاع خاصی ندارم. بستگی به یک سری مسائل دارد، اما فکر می کنم با یک مقدار تغییرات همان حکم‌ها تأیید شود.

نگران تجدیدنظرم

عبدالفتاح سلطانی از وکلای دادگستری است که با وکالت پرونده علی افشاری در محافل سیاسی بیش از گذشته مطرح شد. پس از آن وی وکیل چند تن از متهمان ملی-مذهبی شد که مصاحبه‌های وی در خصوص موکلانش موجبات محکومیت وی در دادگاه و محرومیت پنج‌ساله از وکالت شد که ظاهرآ وی‌منتظرای در دادگاه تجدیدنظراست. سلطانی از نگرانی خود در خصوص تجدیدنظر پرونده نهضت آزادی می گوید:

مرجع تجدیدنظر در پرونده‌هایی که در کیفرخواست جرم براندازی مطرح شده باید دیوان عالی کشور باشد

براندازی در قانون چگونه و با چه شرایطی تعریف شده است؟

آنچه که در ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی آمده و به این موضوع اشاره کرده، تصریح دارد که یک گروه‌سیاسی در جهت تغییر و سرنگونی رژیم حاکم دست به اسلحه ببرد و یا اقدامات نظامی در این راستا تلاش کند. قانونگذار تصریح دارد نحوه‌اقدام باید مسلحانه باشد و اصولاً بدون دست بردن به سلاح، براندازی معنی ندارد.

واژه براندازی قانونی با مسالمت آمیز را می توان واژه حقوقی دانست؟

اصلاً، به هیچ وجه. این واژه ساخته کسانی است که با مقدمات علم حقوق هیچ گونه آشنایی ندارند و من فکر می کنم این واژه بیشتر از آنکه کارکردی حقوقی داشته باشد، کارکردی سیاسی دارد. درخصوص نهضت آزادی و ملی‌مذهبی ها اگر طبق قانون عمل شود، هیچ دلیل مستندی برای براندازی آنها پیدا نمی شود، به جهت آنکه وزارت اطلاعات که مرجع تشخیص دهنده جرایم امنیتی است، نظر خود را مبنی بر عدم براندازی داده است و به‌هیچ‌وجه نهضت آزادی را براندازنمی داند.

اعلام برانداز نبودن نهضت آزادی از سوی قاضی پرونده و رئیس دادگاه انقلاب از یک سو و اطلاعیه روابط عمومی دادگاه انقلاب به پرونده نهضت آزادی به اتهام براندازی را چگونه ارزیابی می کنید؟

تبلیغ علیه جمهوری اسلامی طبق مصوبه شورای انقلاب از مصادیق جرم سیاسی است. حتی اگر طبق نظر دادگاه حالت امنیتی داشته باشد، طبق همان مصوبه باید بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی به طور علنی و با حضور هیأت منصفه به آن در دادگاه رسیدگی شود. از سویی دیگر باید توجه داشت نوع اتهامات مطرح در این پرونده از مصادیق بارز جرم سیاسی در قانون احزاب است که طبق تبصره دو از ماده سوم قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، هر وقت در جرائمی که قانون پیش بینی رسیدگی به صورت دیگر را کرده‌است، دادگاه‌های انقلاب حق ورود به آن را ندارند. پیش بینی این نوع جرائم که به نهضت آزادی وارد شده است در قانون احزاب آمده‌است و مسؤولیت رسیدگی به پرونده‌هایی که در کیفرخواست جرم براندازی مطرح شده و مصادره اموال صورت گرفته، باید دیوان عالی کشور باشد که این پرونده با وجود دارا بودن این دو شرط به شعبه تجدیدنظر دادگاه انقلاب رفته است.

به گمانم ریاست محترم قوه قضائیه باید در یک سری پرونده‌های مهم مثل نظرسنجی، نهضت آزادی، آقاجری و... هیأت هایی برای نظارت بر عملکرد دادگاه های تجدیدنظر و بدوی بگمارند.

منتقدیم نه برانداز

وقتی از دکتر یزدی، وقت مصاحبه خواستم، قرار مصاحبه را در منزلش برای همان شب تعیین کرد با او می شد در خصوص بسیاری از مسائل روز گفت وگو کرد ولی وقتی او مصاحبه شونده است، باید محور سؤالات در خصوص تحولات پرونده نهضت آزادی باشد و آنچه که او می گفت، حکایت از یک نگرانی در خصوص این موضوع داشت. هر چند که برانداز بودن اعضای نهضت آزادی مورد تردید قرار گرفته است.

رسیدگی دادگاه انقلاب به پرونده نهضت آزادی به اتهام براندازی را چگونه ارزیابی می کنید؟

تخلفات احزاب و گروه های سیاسی به کمیسیون ماده ۱۰ احزاب که دو نفر نماینده از قوه‌قضائیه دارد سپرده شده است. طبق این پیش بینی هر یک از اعضای کمیسیون ماده ۱۰ احزاب در صورت مشاهده تخلف از یک گروه سیاسی باید اسناد و مدارک خود را در اختیار کمیسیون قرار دهد و در صورت اثبات کمیسیون به عنوان مدعی العموم از گروه و حزب سیاسی متخلف به دادگاه شکایت می کند. بنابراین با توجه به اینکه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب هیچ گونه شکایتی از نهضت آزادی نکرده ما مدعی هستیم که دادگاه انقلاب صلاحیت قضایی برای رسیدگی به چنین پرونده‌ای را نداشته معذالک دادگاه خود را اصلح دانست و وارد بررسی شد و رأی صادر کرد و وکلا هم به رأی اعتراض کردند.

مصادیق مشخص براندازی را در چند مورد نام ببرید؟

ما یک نظام قانونی به نام جمهوری اسلامی ایران داریم که این نظام دارای یک ساختار قانونی و حقوقی مشخص است که اگر کسی خواستار سرنگونی و تغییر این نظام باشد، برانداز نامیده می شود که کاملاً در قانون معین و تعریف شده‌است که گروه‌های زیادی مثل پهلوی طلب ها در خارج و یا آنها که اعلام جنگ مسلحانه کرده‌اند از مصادیق بارز این موضوع هستند.

اما نهضت آزادی با سابقه‌ای ۴۴ ساله، انقلاب اسلامی ایران را یک انقلاب مردمی می داند و به جمهوری اسلامی و قانون اساسی التزام دارد و فقط منتقد رفتار حاکمان و دولتمردان است و خود را برانداز نمی داند که این موضوع مورد تأیید بسیاری از مسؤولان قرار گرفته است.

اعلام نظر قاضی پرونده و رئیس دادگاه انقلاب در خصوص برانداز نبودن نهضت آزادی با اطلاعیه روابط عمومی دادگاه انقلاب شائبه نوعی تناقض را به ذهن متبادر می کند در این خصوص چه نظری دارید؟

این جوابی است که خود قوه‌قضائیه باید بدهد. از یک طرف رئیس دادگاه انقلاب می گوید بیانیه و اطلاعیه ملاک نیست و رئیس شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب هم به‌صراحت می گوید ما نهضت آزادی را برانداز نمی دانیم اما پس از چند روز از این اظهارات روابط عمومی دادگاه انقلاب بیانیه می دهد و بر همان اتهامات سابق تأکید می کند. آنچه که بارها مورد تأکید قرار گرفته آن است که دادگاه انقلاب مرجع تشخیص جرائم امنیتی نیست و بلکه وزارت اطلاعات باید نظر بدهد. وزارت اطلاعات هم نهضت آزادی را برانداز نمی داند، قوه قضائیه باید فقط بر نظر وزارت اطلاعات توجه کند. اما به هر حال آقای مبشری و قاضی رسیدگی کننده به نتیجه‌ای رسیدند که وزارت اطلاعات در ابتدای تشکیل این پرونده رسیده بود.

تجدیدنظر دادگاه انقلاب در خصوص برانداز بودن نهضت آزادی تا چه حدی تأثیر از پیشنهاد وفاق ملی، از سوی شما گرفته است؟

ما با توجه به بحران های منطقه‌ای و انسدادهای درونی در کشور پیشنهاد وفاق را دادیم که اصل مورد پذیرش برای شکل گیری وفاق باید درک موقعیت بحرانی کشور باشد و تنها راه حل مقابله و رویارویی با این بحران ها پذیرفتن اصل گفت و گو و توافق بر سر حداقل ها در منافع ملی است و این یعنی پرهیز از هر گونه خشونت در رقابت سیاسی. پیشنهاد وفاق از سوی ما با این خصوصیات مطرح شد که خوشحالیم آرام آرام اتفاقات مثبتی در حال وقوع است.

اما نمی دانیم که دادگاه انقلاب با توجه به این موضوع این نظر را داده است یا نه؟ و باید منتظر رأی دادگاه تجدیدنظر بود.

نامه نگاری های شما به دبیرکل جمعیت مؤتلفه چه تأثیری در پیشبرد وفاق ملی و نظر دادگاه انقلاب داشته است؟

در جهت پیشبرد وفاق ملی، چون این اقدام از سوی نهضت آزادی شروع شد، در واقع زنده کردن نوعی ادبیات سیاسی مغفول مانده‌بود که یک جامعه توسعه‌یافته علی رغم تمام اختلافات سیاسی گروهی با گروهی دیگر قهر نیست و هر جناح و گروه‌با تکیه بر مواضع خودش با دیگری سخن می گوید. هیچ ابهامی در مواضع نهضت آزادی نسبت به‌مؤتلفه نیست و ما با توجه به تمام اختلافات سعی در ایجاد فضای گفت و گو و تفاهم بر سر کلیات داریم اما تأثیر این موضوع در تغییر نگاه دادگاه انقلاب را من نمی دانم. انگیزه ما تأثیر بر رأی دادگاه نبوده و فقط یک حرکت در چارچوب منافع ملی بوده است. البته تا قبل از دادگاه تجدیدنظر هیچ چیز معلوم نیست.

رأی دادگاه تجدیدنظر را چگونه پیش بینی می کنید؟

اگر در پی این هستیم که بگوییم حقوق بشر در ایران رعایت می شود، باید به دنیا نشان دهیم که تحمل سالم ترین و مدنی ترین اپوزیسیون خود را داریم چون معیار آزادی در هر نظام سیاسی بهره‌مندی مخالفان از آزادی است نه موافقان.

گفت و گو

محمد نعیمی پور: شریک نالایق نمی شویم

زمستان پیش رو دوام ندارد هرچند می تواند غم انگیز و تلخ باشد

محمد نعیمی پور رئیس فراکسیون مشارکت در مجلس اصلاحات بیشتر از آن که مرد نظر و تئوری باشد، اهل عمل و رفتار سیاسی است. وقتی با او قرار مصاحبه گذاشتم یک ساعت را در نظر گرفت ولی اصلاً بادش نبود که نیم ساعت بعد از شروع مصاحبه جلسه فراکسیون مشارکت است. همین موضوع برای کوتاهی مصاحبه کافی ترین دلیل بود.

واکنش های اخیر جناح راست را چگونه ارزیابی می کنید آیا به نظر شما این واکنش ها از طرح خروج از حاکمیت نشأت می گیرد یا طرح دولایحه رئیس جمهوری؟

من معتقدم جناح راست پیش از آن که ازبحث خروج از حاکمیت نگران باشد از تصویب و مطرح شدن دو لایحه اخیر دولت بیم دارد، از آن رو که معتقد است تصویب این دولایحه می تواند چالش عظیمی در نظام به وجود بیاورد که نشان می دهد عده‌ای هیچ تمایلی به اصلاح وضعیت ندارند و در صورت تصویب لوایح، هزینه‌های سنگینی به جریان محافظه کار تحمیل می شود. بحث خروج از حاکمیت یک روش در برابر روش هایی است که به‌استبداد منجر می شود و اصلاح‌طلبان که هیچ تمایلی به روش های قهرآمیز ندارند، خود را هم عرض طرفداران خشونت و استبداد معرفی نکنند.

تحقق خروج از حاکمیت را بسته به چه شرایطی می دانید؟

بحث خروج از حاکمیت کاملاً به شرایط زمانی و مکانی مربوط می شود. در واقع از نظر من عنصر تعیین کننده در این خصوص رفتار سیاسی جناح محافظه کار و میزان تأثیرپذیری این جناح از افراطیون است لذا من نمی خواهم و مایل نیستم که پیش‌بینی کنم و فکر می کنم این آخرین کاری است که باید اصلاح‌طلبان انجام دهند. تصویب نهایی لوایح می تواند در این مورد موضوع مهم و محوری باشد اما به تنهایی کفایت نمی کند چرا که فکر می کنم می شود از دیگر ظرفیت های قانونی نیز استفاده کرد. ولی بهتر است در مورد آنها صحبت نکرد.

از سوی بعضی از نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب عنوان می شود که اخراج از حاکمیت بهتر از خروج است نظر شما در این خصوص چیست؟

لولأ در خصوص اخراج از حاکمیت باید گفت که این اولین باری نیست که این مسائل مطرح می شود و چندین بار اعلام شده که بعضی به دنبال اعلام وضعیت فوق‌العاده هستند که با این مسأله هم در مجلس و هم در سطح سیاسی برخورد شد و مسأله فروکش کرد. اما اگر معتقدان به اخراج اصلاح‌طلبان و انحلال گروه‌های سیاسی اصلاحات بتوانند سایر گروه‌های ذی‌نفوذ درون جریان راست را برای اخراج سازمان مجاهدین و جبهه مشارکت از حاکمیت راضی کنند، باید تمام هزینه‌های مربوط به این کار را خود آنها پرداخت کنند در حالی که بحث خروج از حاکمیت برای اصلاح‌طلبان هزینه‌هایی دارد ولی من فکر می کنم آن جریان توان ارزیابی از کار خود را ندارد.

جریان محافظه کار طرح خروج از حاکمیت را نوعی تأیید نگاه اصلاح‌طلبان به‌خارج از کشور می داند و با توجه به شرایطی که در منطقه حاکم است، معتقد است اصلاح‌طلبان با این رویکرد می خواهند خود را به عنوان یک گزینه مطرح نگه دارند؟

هیچ اصلاح‌طلبی نگاه به بیرون ندارد. جریانی که حرکت قانونی و بدون خشونت را قبول دارد، اصلاً نمی تواند نگاه به بیرون از کشور داشته باشد که بخواهد لابی انجام دهد. جریان اصلاحات تمام توجهش به افکار عمومی داخل است اما در صورتی که بی تدبیری جریان امور را همین گونه بخواهد پیش ببرد بهتر است که جریان عاقلی که برای خودش برنامه، فکر و اعتبار دارد و در بین مردم هم محبوبیت دارد، خودش را کنار بکشد تا مردم در شرایط مطلوب دیگری بتوانند انتخابش کنند نه اینکه آن را به عنوان شریک افراد نالایق بدانند اما هر گونه ارتباط و لابی خارجی با مذاق اصلاح‌طلبی همخوانی ندارد.

مسائلی که پیرامون پرونده نظرسنجی صورت گرفت؛ تا جایی که حزب مشارکت متهم به جاسوسی و فروش اطلاعات به بیگانگان شد آیا نوعی دلیل برای ثابت کردن همین امر یعنی نگاه اصلاح‌طلبان به خارج از کشور بود؟

کسانی که اینگونه اتهام می زنند، برای خود مستمسک درست می کنند. چطور دستگاه‌های مسؤول در این کشور این مسأله را درک نمی کنند و سازمان ضدجاسوسی کشور به آن پی نمی برد و فقط این افراد متوجه می شوند این عناوین، ذهن پرکن و خوشمزه است تا بتواند محمل یکسری مسائل قرار گیرد تا طرح ها و برنامه‌هایی که در ذهن دارند اجرا کنند.

برخی اعتقاد دارند مسائل اخیری که از صدور حکم اعدام آقاجری و پرونده نظرسنجی در حال وقوع است، به نوعی حرکت در جهت "تئوری پای ثابت نظام است" این موضوع را چگونه می بینید؟

من این را آرزوی خام می دانم. با این شرایط و جو بین المللی عاقبتی ندارد. نه اصلاح‌طلبان حق دارند نسبت به حمایت های خارجی دل خوش کنند و نه دیگران چرا که مشکل ما باید در داخل حل بشود و ورود هر خارجی به این منازعه داخلی نفعی برای جمهوری اسلامی و نظام ندارد و خام‌اندیشانی که گمان می کنند با سرکوب داخلی ممکن است به منافعی برسند، باید این موضوع را از ذهنشان خارج کنند.

با توجه به تهدیدات خارجی که متوجه ایران است، عده‌ای پی در پی در حال نشان‌دادن اقتدار کامل چه در داخل و چه در خارج هستند این مسأله را چگونه ارزیابی می کنید؟

اگر مانگران دخالت بیگانگان در داخل کشورمان هستیم، زوربازو پاسخ آنها نیست قدرت تفکر است که به دفاع از امنیت و تمامیت اراضی کشورمی آید. من یقین دارم کسانی که در سر، اخراج اصلاح‌طلبان را می پروانند که با خروج آنها می توانند کارهایی انجام دهند و موقعیت خودشان را تثبیت کنند. در عرصه بین المللی جایگاهی ندارند و تصور اینکه با بعضی لابی ها موقعیتی فراهم شود اشتباهی محض است. کدام انسان عاقلی وقتی می بیند با وفاق و همدلی می تواند در مقابل تهدیدات خارجی عامل بازدارنده ایجاد کند، به دنبال لابی در خارج و سرکوب در داخل می رود و این نشان از عقیل بودن این تفکر و عدم درک عمیق از مسائل دارد.

اظهارات اخیر آقای عبدی که نوعی تعدیل در طرح خروج از حاکمیت و پذیرفتن نوعی اشتباه بود. در نزد افکار عمومی سؤالاتی را برانگیخته است با توجه به اینکه شما از دوستان و نزدیکان سیاسی وی هستید این مسأله را چگونه می بینید؟

اطلاعات من در این خصوص کافی نیست. تنها من یقین دارم که آقای عبدی از سر اینکه پشیمان است و بریده‌است این صحبت ها را نکرده‌است.

به نظر می رسد که ایشان برنامه‌ای در ذهن دارد که نمی توان گفت دادگاه از آن اطلاع دارد یا نه؟ اما مشخص است با یک آگاهی این کار را انجام می دهد. در مورد اشتباه‌هم، مشابه اشتباهاتی که مثلاً در خصوص شرکت در کنفرانس برلین یا اظهارات آقاجری رخ داد بوده‌است. ولی اینکه آیا این جرم است یا نه؟ مسلماً جرم نیست.

آیا زمستان پیش رو را زمستانی طوفانی می دانید؟

وضعیت سیاسی داخلی ما با چنین شرایطی خیلی قابل دوام نیست خصوصاً اگر در آتش فتنه‌ها دمیده‌شود، عاقلانه‌ترین کارحل مسائل ازطریق مجموعه‌ای خردمند است که اگر این کار صورت نگیرد، مسائل داخلی و حمله آمریکا به عراق شرایط را سخت تر می کند که ممکن است غم‌انگیز و تلخ باشد.